



فهرست مطالب

۲ مقدمه
۲ نظریه اول در مدلول صیغه نهی: طلب ترک
۲ دلیل نظریه اول: تبادل
۲ اشکال بر نظریه اول: عدم صحت تعلق طلب بر امر عدمی
۳ پاسخ به اشکال
۳ مقدمه پاسخ: اقسام سه گانه عدم
۳ عدم مطلق
۳ عدم مضاف به نحو تقيض
۳ عدم مضاف به نحو عدم ملکه
۴ بیان پاسخ: حظی از وجود داشتن قسم دوم و سوم
۴ اشکال به پاسخ: در هر صورت عدم، عدم می باشد
۴ رد اشکال: وجود ذهنی عدم مضاف به حمل شایع صناعی



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

جهت دوم بحث در نواهی در مدلول و موضوع له هیئت و صیغه نهی می باشد که در جلسه قبل سه نظریه عمده و مهم در این بحث به طور اجمال مطرح شد که به بررسی این نظریات و ادله آن ها می پردازیم.

نظریه اول در مدلول صیغه نهی: طلب ترک

نظریه اول در مدلول و موضوع له صیغه نهی این است که صیغه و هیئت نهی برای طلب ترک وضع شده است و وقتی ماده ای وارد این هیئت می شود، هیئت نهی افاده طلب ترک می کند. طبق این نظریه طلب، وجه اشتراک و به عبارتی چیزی شبیه جنس مشترک بین امر و نهی می باشد و تفاوت امر و نهی در متعلق طلب می باشد که متعلق طلب در امر، طلب الفعل و در نهی، طلب ترک می باشد به خلاف نظریه دوم که موضوع له امر که بعث بود و موضوع له نهی که زجر و منع بود، دو حقیقت متباین می باشند اما طبق نظریه اول هیئت امر و نهی اشتراک ذاتی دارند و موضوع له هر دو طلب است با این تفاوت که متعلق طلب در صیغه امر، امر وجودی است اما متعلق طلب در صیغه نهی، امر عدمی و ترک می باشد. مشهور متقدمین و همچنین صاحب کفایه و مرحوم نائینی به این نظریه تمایل دارند.

دلیل نظریه اول: تبادر

دلیل قائلین نظریه اول بر ادعای خود تبادر این معنا یعنی طلب ترک از لفظ صیغه و هیئت نهی می باشد یعنی هنگامی که لاتفعّل که هیئت نهی است را می شنویم متبادر به ذهن، طلب ترک می باشد. بر این نظریه چند مناقشه در کلمات اصولیون از جمله در کتاب تحقیق الاصول آقای وحید حفظه الله و همچنین در کلمات شهید صدر وارد شده است.

اشکال بر نظریه اول: عدم صحت تعلق طلب بر امر عدمی

اولین مناقشه ای که بر نظریه اول وارد شده است و در بین قداما هم مطرح بوده است این است که طلب در حقیقت همان شوق و اراده است و شوق و اراده یک امر وجودی است. در هیئت امر متعلق طلب که خود یک امر وجودی است یک امر وجودی یعنی فعل می باشد و اشکالی بر آن وارد نیست اما در نهی متعلق طلب ترک فعل می باشد و ترک فعل یک



امر عدمی و سلبی است و اشکالی که بر آن وارد شده است این است که یک امر عدمی و سلبی به لحاظ فلسفی نمی‌تواند متعلق شوق و اراده که یک امر وجودی است، قرار گیرد.

پاسخ به اشکال

مقدمه پاسخ: اقسام سه‌گانه عدم

با ذکر مقدمه در انواع و اقسام عدم به این اشکال پاسخ داده شده است. به این بیان که عدم در مرحله اول بر دو قسم عدم مطلق و عدم مضاف تقسیم می‌شود و در مرحله دوم عدم مضاف به عدم نقیض و عدم مضاف به نحو عدم ملکه تقسیم می‌شود که نتیجه این دو تقسیم این می‌شود که عدم بر سه قسم زیر می‌باشد.

عدم مطلق

قسم اول از اقسام عدم، عدم مطلق می‌باشد یعنی نیستی و عدم، مضاف به چیزی نشده است.

عدم مضاف به نحو نقیض

قسم دوم از اقسام عدم، عدم مضاف به نحو نقیض می‌باشد مانند عدم قیام یا عدم زید، دایره شمول این نوع عدم وسیع است و هم شامل موضوعاتی که شانیت ندارند، می‌شود و هم شامل موضوعاتی که شانیت دارند می‌شود مثلاً عدم قیام هم شامل عدم قیام زید که قیام در شان او وجود دارد، می‌شود و هم شامل عدم قیام رودخانه که برای رودخانه شانیت قیام وجود ندارد، می‌شود. حکم این قسم از عدم در منطق این است که لایجتماع و لایرتفعان

عدم مضاف به نحو عدم ملکه

قسم سوم از اقسام عدم، عدم مضاف به نحو عدم ملکه می‌باشد یعنی عدم ما من شانه الوجود می‌باشد. دایره شمول این قسم نسبت به نوع دوم محدود می‌باشد و فقط شامل موضوعاتی که شانیت دارند، می‌شود. حکم این قسم در منطق این است که لا یجتمعان ولی یرتفعان در مواردی که شانیت وجود ندارد. پس وجه اشتراک عدم نوع دوم و سوم لایجتماع می‌باشد و وجه افتراق آن‌ها در ارتفاع می‌باشد که حکم نوع دوم لایرتفعان است و حکم نوع سوم یرتفعان در موضوعاتی که شانیت ندارند، می‌باشد.



بیان پاسخ: حظی از وجود داشتن قسم دوم و سوم

پاسخی که به این مناقشه داده شده است این است که هرچند عدم مطلق نمی تواند متعلق وجود واقع شود اما قسم دوم یعنی عدم مضاف به نحو تقيض و قسم سوم یعنی عدم مضاف به نحو عدم بلکه می تواند متعلق وجود که در محل بحث، شوق و اراده می باشد، واقع شوند به خاطر اینکه برای این دو قسم حظی از وجود، وجود دارد به خصوص قسم سوم که شأنیت وجود را هم دارد.

اشکال به پاسخ: در هر صورت عدم، عدم می باشد

حضرت آیت الله وحید و برخی دیگر از علما این پاسخ را نپذیرفته اند و فرموده اند که امر عدمی در هر صورت امر عدمی می باشد و عدم نمی تواند متعلق وجود واقع شود و با این پاسخ مناقشه به نظریه اول بر طرف نمی شود.

رد اشکال: وجود ذهنی عدم مضاف به حمل شایع صناعی

در رد این اشکال باید گفت که شوق و اراده، یک پدیده نفسانی و کیف نفسانی می باشد که دارای متعلق بالذات و متعلق بالعرض می باشد. متعلق بالذات اراده و شوق، همان چیزی است که در عالم نفس و ذهن وجود دارد و در محل بحث هم عدم مضاف، به حمل اولی عدم می باشد اما به حمل شایع صناعی این دو قسم از عدم، در عالم ذهن موجود می باشد و دارای مصداق می باشد، آری در عالم خارج عدم مضاف، عدم می باشد و موجود نیست اما این مطلب خللی به بحث ایجاد نمی کند چون هیچ دلیل فلسفی بر اینکه متعلق شوق و اراده که از امور نفسانی و کیف نفسانی می باشند حتماً باید مصداق خارجی داشته باشد و در عالم خارج وجود داشته باشد، وجود ندارد بلکه آنچه لازم است این است که در عالم نفس و ذهن متعلق شوق باید وجود داشته باشد که عدم مضاف در عالم ذهن به حمل شایع صناعی وجود دارد.